

# Shiraz-Beethoven.ir

پیش‌گفتار . . . . . یازده

## سرگذشت و سرنوشت

۱	تهران قدیم و دارالفنون
۹	شعاع السلطنه و تارنوازی
۲۸	انجمن اخوت
۳۹	نوآوری
۴۹	نیکوکاری
۵۴	ضبط صفحه
۷۳	معلم موسیقی
۸۲	مرشد اخلاق
۹۰	باد خزان
۹۵	بزرگداشت‌ها

## نوشته‌ها

۱۰۹	مراسم جشن و نمایش
۱۱۰	درویش هم رفت

۱۱۶	تفصیل واقعه‌ی اسفناک
۱۱۷	در مدرسه‌ی موسیقی
۱۲۱	هفته‌ی درویش
۱۲۳	چله‌ی درویش
۱۲۶	صورت نطق
۱۳۰	نتیجه‌ی اقدامات کمیسیون به یاد درویش
۱۳۱	کمیسیون به یاد درویش
۱۳۲	موسیقی در ایران
۱۳۶	بدایع درویش خان در موسیقی ایران
۱۳۹	مرحوم غلامحسین خان درویش

### سندها

۱۴۴	نامه‌ی گزارش تصادف درویش خان
۱۴۶	گزارش تصادف درویش خان

### سروده‌ها

۱۴۹	ماده تاریخ (یحیی دولت‌آبادی)
۱۵۰	مثنوی زهره و منوچهر (ایرج میرزا جلال‌الممالک)
۱۵۰	قطعه (پرتوعلی)
۱۵۱	ماده تاریخ (غلامعلی فکری)
۱۵۱	به مناسبت هفته‌ی درویش خان (غلامعلی فکری)
۱۵۲	تاریخ فوت درویش خان (یکی از فضلالی معاصر)
۱۵۳	مرثیه (حسن وحید دستگردی)
۱۵۴	ماده تاریخ (حسن وحید دستگردی)
۱۵۴	سنگ قبر (شکوهی)

۱۵۷	گاه‌نامه
۱۶۳	کتاب‌نامه
۱۶۹	نام‌نامه

درویش چون «خود، کلاس تعلیم موسیقی داشت و این [پیش‌درآمدها] را به شاگردانش یاد می‌داد، به‌زودی باعث رواج آن‌ها شد. اولین کسی که در همان هنگام به ساختن این قبیل آهنگ‌ها آغاز کرد [رکن‌الدین مختاری] بود که در این روش با درویش‌خان همکاری بسیار نزدیک داشت و پیش‌درآمدهای او را هم نه تنها درویش‌خان شخصاً می‌نواخت بلکه به شاگردان خود نیز تعلیم می‌داد و همین کار، وسیله‌ی انتشار و رواج آن‌ها گردید. گرچه در همین اوان، معاصرین آن‌ها نیز شروع به ساختن این نوع قطعات کردند ولی چون در آن موقع هنوز شاگرد نداشتند، پیش‌درآمدهای‌شان منتشر نگردید» (همان: ۲۱۵).

«در مکتب موسیقی ایرانی بیش از هر چیز، ملودی شایان اهمیت است. [...] آثار درویش از لحاظ ملودی، دارای زیبایی و حالت دلنشین خاصی است که کم‌تر کهنه می‌شود. درویش در هر مایه از دستگاه‌های ایرانی که آهنگ ساخته، آن را به‌درستی معرفی کرده؛ از تکرار زیادی خودداری نموده و تنوع را در نظر گرفته است. ضرب و وزن که قبل از دوره‌ی درویش در موسیقی ایرانی، مقام مشخصی نداشت، در ساخته‌های درویش برای اولین‌بار مورد توجه قرار گرفت. [...] مطالعه‌ی آثار درویش عموماً نبوغ ذاتی این موسیقی‌دان برجسته‌ی مکتب موسیقی ایرانی را آشکار می‌سازد. [...] او دارای یک ذوق فطری و استعداد خلاق بوده که نظیرش در بین آهنگ‌سازان مکتب موسیقی ایرانی خیلی نادر بوده است» (فرهت: ۱۸، ۱۹، ۲۳).

«ساخته‌های درویش از لحاظ ملودی، بسیار روان و سلیس، و از جهت سازندگی و علم ترکیب کردن اصوات موسیقی، مطابق قواعد و اصول می‌باشد و با این‌که از این علم سررشته نداشته، به یاری ذوق

یونانی، سازش را به دست گرفته و هزارها نفوس بشر را مدهوش رشته‌های تار خود کرده و کیسه‌های مملو از طلا و نقره‌ی ناز شصتِ خودش را روی طبق اخلاص گذارده و به وژاژ مقتولین راه حریت و آزادی اعطا می‌کند.

من درویش را نمی‌توانم فراموش کنم، زیرا در گاردن پارقی پارک امین‌الدوله که به منفعت مجاهدین مجروح و وژاژ مقتولین بی‌خانمان و افتخار فتح اردوی ملی و شکست اردوی استبداد داده می‌شد، درویش را در سن ارکستر دیدم که با آهنگ‌های ابتکاری و تازه‌ی خود، انقلابی بر پا کرده و سرها را از شور وطن‌پرستی پر ساخته و باز بدون چشم‌داشت به دیناری ذخایر دنیوی، هرچه عاید شد نثار مستحقینش کرد.

من درویش را نمی‌توانم فراموش کنم، زیرا پنجه‌ی پولادین و مغز پر از فکر و ذوق او، بیش‌تر از جیب و خزانه‌ی سلاطین تاجدار گذشته [به] این ملت سیه‌روزگار استفاده رسانید. درویش با چند تار سیم آلت موسیقی و بانتهای ابتکاری خودش [به] فریاد استغاثه‌ی حریق‌زدگان آمل، حریق‌زدگان بازار تهران، غارت‌شدگان ارومیه جواب و لیبیکِ اجابت گفته و دست آنها را گرفته، تا آن‌جا که قادر شد و [...] از پریشانی نجات داد. بامزه آن‌جاست که او با آن عالم درویشی، گرفت و اهدا کرد و خودش و عائله‌اش عوض نان، خون جگر خوردند و بعضی اشراف بی‌رحم این مملکت مبلغی از همان پول‌ها را از بانک گرفته، به عناوینی خوردند. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا.

درویش فراموش‌شدنی نیست. درویش از اشخاص عادی نبوده که فراموش شود. مرگ درویش به خیال روزنامه‌نویس‌های

ماده‌تاریخ (غلامعلی فکری، متخلص به ارغوان)

فغان از دستِ این چرخِ بداندیش  
که در هر نوشِ او باشد دوصد نیش  
نمی‌بینم دلی کو را نباشد  
فغان از دستِ این چرخِ بداندیش  
نه عالمِ کام از او بندد نه جاهل  
نه منعم مهر از او بیند نه درویش  
هزاران نغمه دارد سازِ این چرخ  
که از هر نغمه صد دل‌ها کند ریش  
غمِ درویش دل‌ها را چنان سوخت  
که هر کس بی‌خبر شد از غمِ خویش  
ز پیرِ عقلِ جستم سالِ تاریخ  
که گوید از برایم بی‌کم و بیش  
بگفتا ارغوان سالِ وفاتش  
بخوان دل مویه کن چون تارِ درویش

(فکری ۱۳۰۵ الف: ۶)

به مناسبت هفته‌ی درویش‌خان (غلامعلی فکری، متخلص به ارغوان)

فغان از دستِ این چرخِ جفاکیش  
که در هر نوشِ او باشد دوصد نیش  
نمی‌بینم دلی کو را نباشد  
فغان از دستِ این چرخِ جفاکیش  
نه عالمِ کام از او بندد نه جاهل  
نه منعم مهر از او بیند نه درویش  
هزاران نغمه دارد سازِ این چرخ  
که از هر نغمه صد دل‌ها کند ریش  
غمِ درویش دل‌ها را چنان سوخت  
که هر کس بی‌خبر شد از غمِ خویش